اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۲۲۶)

اژدها (۷)

معنویت جاری (۱)

انسان ارزش واقعی نعمات را وقتی می فهمد که از دستش دهد، نه وقتی که در وفور و فراوانی در اختیارش است. در طول زندگی، اکثر ما بصورت ناخودآگاه، پس از فقدان نعمات، ارزش واقعی نعمت از دست داده را درک می‌کنیم؛ ولی وقتی آن چیز در دسترس و فراوان است، ارزش آن را بطور کامل و واضح نمی بینیم. این نتیجه یک معنویتِ غلط است. حتی این معنویت غلط در اقتصاد هم نفوذ کرده است. وقتی در مورد کالایی، کمبود پیش آید، قیمتش بالا می رود و توازن به هم می خورد، اما وقتی کالایی

فراوان شود، قدرش دانسته نمیشود و اسراف میشود. بشر حد وسط نگه نمیدارد و کار را به لبه های افراط و تفریط می رساند.

اگر انسان آگاهانه ارزش کالاهایی که در اختیارش است را بداند؛ به مرحله ای نخواهد رسید که مجبور به درک ارزش آن شود. شکرگزاری از نعمات خدا به همین معناست. شکر گزاری یعنی ارزش و قدر چیزهایی که در اختیار ماست را آگاهانه بدانیم و آن را برای خود یادآوری کنیم و نه اینکه قیمت آن را بالا ببریم، طوریکه عموم نتوانند استفاده کنند و نه اینکه در مصرف آن اسراف کنیم. وقتی شکرگزاری می کنیم، یعنی ارزش گزاری ها را بلدیم و قیمت واقعی نعمات را می دانیم. ارزش نعمات با قیمت گذاری تعیین نمی شود، بلکه با طرز استفاده معتدل و عدم اسراف تعیین میشود.

عادت به فراوانی، انسان را از شکرگزاری دور میکند. اما اگر شکرگزاری کنید، همان فراوانی ها را از عادت به عبادت تبدیل می کنید و در نتیجه از دستش نمی دهید و خیر و برکت صدبرابری بدنبال دارد. فراوانی بدون شکرگزاری به کمبود تبدیل میشود. این قاعده قرآنی، بسیار مهم است. برای حل این مشکل باید سعی کنیم در فراوانی، ارزش واقعی نعمات را درک کنیم.

وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُم لَئِنْ شَكَرْتُم لَأَزِيدَنَّكُم وَ لَئِنْ كَفَرْتُم إِن عَذَابِي لَشَدِيدٌ (ابراهيم: ۷)

و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!

بعضی از مردم معنای شکرگزاری را نمی دانند. شکرگزاری نگاه ارزشمندانه به نعمات الهی در لحظه استفاده است. خدا میخواهد به تغذیه و سایر اشیاء و موجودات محیط زیست ارزش دهد و آنان را از حالت عدد و تعداد خارج کند. زمانهای قدیم در روستاها، بر سگهای روستا اسم می گذاشتند و ارزش گزاری میکردند و آنان را با اسم صدا میزدند. اما اکنون بعضی سازمانها با خوراندن مواد سمی، بصورت گروهی سگها را می کشند تا از دست آنان خلاص شوند! بشر جانی شده است و بطور قطعی تاوان کارهای خود را خواهد داد. خدا در مورد حیوانات و جانداران، ارزش گزاری میکند و حتی وقتی از اصحاب کهف نام می برد، آنان را هفت نفر معرفی میکند و سگشان را هشتمینشان معرفی میکند. اینکه آیه در شمارش، سگ را همراه با انسانها می شمارد، این یعنی جان موجودات و حیوانات دیگر هم ارزشمند هستند و نباید آنان را از بین برد.

سَيَقُولُون ثَلاَثَة رَابِعُهُم كَلْبُهُم وَ يَقُولُون خَمْسَة سَادِسُهُم كَلْبُهُم رَجْماً بِالْغَيْب وَ يَقُولُون سَبْعَة وَ ثَامِنُهُم كَلْبُهُم قُلْ رَبِّي أَعْلَم بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُم إِلاَّ قَلِيل فَلاَ تُمَارِ فِيهِم إِلاَّ مِرَاءً ظَاهِراً وَ لاَ تَسْتَفْت فِيهِم مِنْهُم أَحَداً (کهف: ۲۲)

گروهی خواهند گفت: «آنها سه نفر بودند، که چهارمین آنها سگشان بود!» و گروهی می‌گویند: «پنج نفر بودند، که ششمین آنها سگشان بود.»- همه اینها سخنانی بی‌دلیل است- و گروهی می‌گویند: «آنها هفت نفر بودند، و هشتمین آنها سگشان بود.» بگو: «پروردگار من از تعدادشان آگاهتر است!» جز گروه کمی، تعداد آنها را نمی‌دانند. پس درباره آنان جز با دلیل سخن مگو و از هیچ کس درباره آنها سؤال مکن!

آیاتی از سوره قمر در مورد عذاب قوم ثمود، مفاهیم بسیار زیبایی را از عاقبت تجاوز به حریم حیات وحش و محیط زیست و یا حریم دیگر موجودات را برای ما روشن می دارند.

إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَة فِتْنَة لَهُم فَارْتَقِبْهُم وَاصْطَبِرْ (قمر: ۲۷)

ما «ناقه» را برای آزمایش آنها می‌فرستیم در انتظار پایان کار آنان باش و صبر کن!

وَ نَبِّئْهُم أَن الْمَاءَ قِسْمَة بَيْنَهُم كُل شِرْب مُحْتَضَرٌ (قمر: ۲۸)

و به آنها خبر ده که آب (قریه) باید در میانشان تقسیم شود، (یك روز سهم ناقه، و یك روز برای آنها) و هر یك در نوبت خود باید حاضر شوند!

فَنَادَوْا صَاحِبَهُم فَتَعَاطَي فَعَقَرَ (قمر: ۲۹)

آنها یکی از یاران خود را صدا زدند، او به سراغ این کار آمد و (ناقه را) پی کرد!

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِم صَيْحَة وَاحِدَة فَكَانُوا كَهَشِيم الْمُحْتَظِرِ (قمر: ۳۱)

ما فقط یك صیحه [صاعقه عظیم] بر آنها فرستادیم و بدنبال آن همگی بصورت گیاه خشکی درآمدند که صاحب چهارپایان (در آغل) جمع‌آوری می کند!

نکاتی که در آیات بالایی هست را به ریز بیان می کنیم:

۱- آیه می فرماید که آب بین آنان تقسیم شده است و هر کدام باید در وقت سهم خود حاضر شوند. آیه (وَ نَبِّئْهُم أَن الْمَاءَ قِسْمَة بَيْنَهُم كُل شِرْب مُحْتَضَرٌ) به این نکته دلالت دارد. یعنی هر کس در زمان خودش باید حاضر شود و نباید زمانها را جلو عقب انداخت. انسان نباید امیال خود را بر دیگر موجودات تحمیل کند. انسان نباید هر جا که میلش کشید، حیات وحش را نابود کند و باغ و خانه و کارخانه بسازد.

۲- در این آیه، شِرْب مُحْتَضَرٌ به معنای معنویتی است که مربوط به زمان حال حاضر است. این یعنی اینکه انسان باید از آن چیزی که در حال حاضر نصیبش شده است، استفاده کند و به آن راضی باشد. آیه آن را قسمت (قِسْمَة) می نامد. در بعضی گفتگوهای عامیانه هم میگویند که قِسمت هر چی بود! یعنی هر آنچه که خدا نصیب کند، همان بهتر است. هر چی خدا بخواهد، همان بهتر است. قسمت خوب آن چیزی است که خدا بدهد و خدا آن را نصیب کند.

۳- راضی بودن به قسمت خدا، مهمترین نکته آرامش درونی است. زیرا اگر راضی نباشی، باید هزاران افسوس بخوری و زندگی را بر خود سخت کنید. طبق آیه، نتیجه افسوس هَشِيم الْمُحْتَظِرِ است که در آیه های بعدی بیان شده است. این عبارت به معنای گیاه زرد خشکیده

پلاسیده است که اتفاقا ممنوع هم شده است. یعنی اگر به قسمت خدا راضی نباشی، خیلی بدتر از آن گیرت میاید.

٤- **پس دو عبارت** شِرْب مُحْتَضَرٌ **و** هَشِیم الْمُحْتَظِرِ **را در آیات سوره قمر می بینیم که این دو عبارت متضاد، معنویت مهمی را به ما می رسانند. اگر به قسمت خود در زمان حال راضی نباشیم، در آینده زمانی خواهد رسید که گیاه زرد خشکیده پلاسیده هم برای ما ممنوع می باشد. این معنویت بسیار مهمی است که آیه بیان میدارند. یکی بود که خیلی ثروتمند شد ولی بیماری سختی گرفت و به غیر از کلم و چند سبزی دیگر، چیز دیگری نمی توانست بخورد. این نمونه نتیجه و کارنامه غلط یک زندگی و سبک غلط است.**

٥- **پس:**

شِرْب مُحْتَضَرٌ	هَشِیم الْمُحْتَظِرِ
معنویت صحیح	معنویت غلط
معنویت زمان حال و یا معنویت زمان حاضر	معنویتی که مرده است و مربوط به زمان حال نیست
معنویت و کاری که باید در حال حاضر انجام شود و اگر انجام نشود، می سوزد	معنویتی که به ما مربوط نیست و نباید انجام شود
آن چیزی که خدا قسمت و نصیب کرده است	آن چیزی که قسمت و نصیب ما نیست

مثل نماز سر وقت ، یا روز ماه رمضان، پرهیز در موقع بیماری، خویشتن داری در موقعیت هایی که میتوانید قدرت اعمال کنید. فرونشاندن خشم در موقع خشم، بخشش در موقع سختی	تمرینات یوگا، مدیتیشن که دستوراتی کلی هستند و ربطی به زمان حال ما ندارند و شما را به جای دیگری وصل می کنند،
بخشش آن چیزی که خودت دوست داری، مثل قربانی هابیل	بخشش آن چیزی که خودت دوست نداری و به درد نخور است، مثل قربانی قابیل
ازدواج با هم کفو و هم ردیف خود. پذیرفتن و گذاشتن شرایطی که توانایی اش را دارید و نه پذیرفتن و یا گذاشتن شرایط تخیلی.	ازدواج با کسی که با شما هم خوانی ندارد که در نهایت، زندگی را بر شما تحریم میکند و مثل علف خشکیده پلاسیده است و حتی مثل این نوع علف هم نیست
دوره تعادل و فراوانی	دوره کمبود و خشکسالی
دوره ای که میتوان طبیعی زندگی کرد و معنویت کسب کرد	دوره ای سخت که دوره عذاب نامیده میشود
انگور تازه، میوه تازه	انگوری که زمانش گذشته و گندیده و به مشروب تبدیل شده است
قند طبیعی	قند غیرطبیعی که باعث دیابت میشود
و هزاران مثال دیگر ...	

٦- کسی که در غذا زیاده روی میکند و اندازه نگه نمی دارد، زمانی خواهد رسید که دیگر نمی تواند حتی آن را بخورد. زیرا دچار دیابت و چربی خون شده است و همان غذا بر او ممنوع می باشد. این معنای دقیق هَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ **است. مثلا کودکی که شکلات زیاده از حد مصرف میکند و کسی هم جلوش را نمی گیرد، بعد از مدتی دچار دیابت شده و دیگر نمیتواند شکلات مصرف کند و خود را از یک لذت محروم میکند.**

۷- **معانی دیگر** هَشِیمِ الْمُحْتَظِرِ :

- **معنویت مرده**
- **معنویتی که مربوط به شما نیست.**
- **سبک زندگیی که مربوط به شما نیست و مربوط به افراد دیگری است که اگر شما آن را اجرا کنید، لذت نخواهید برد.**
- **تقلید از دیگران در سبک زندگی**
- **جدی گرفتن و تحت تاثیر قرار گرفتن بوسیله سبک زندگی های به ظاهر بالاتر**
- **معنویت بی ارتباط و نامربوط به تو. مدیتیشن اینچنین است. نمونه یک معنویت پرت، دور، نامربوط همین مدیتیشن است که ناوقت و نامربوط است.**
- **عشق یک معنویت نامربوط است که خوشی چندانی ندارد و زمانی که به آن می رسید، مثل علف زرد خشکیده پلاسیده است. زیرا فرد زیاده از حد می خواهد و به مودت و رحمتی که خدا قرار داده است راضی نیست.**
- **انگوری که در زمان خودش مصرف نشده و گذر زمان آن را گندانده است و در نتیجه به مشروب تبدیل میشود. در این حالت مضر است و برای سلامتی ممنوع است.**

- **معنویتی که مربوط به زمان حال و مکان حال نیست، آبیاری الکی و بی فایده است و فنگ شوئی از این نوع است.**
- **در اینترنت جلسات تراپی می گذارند که همگی چرت و پرت است و یک نوع معنویت کهنه و پلاسیده است که مربوط به زمان حال شما نیست و مربوط به کسان دیگری است که در موقعیت شما نیستند و شما هم در موقعیت آنان نیستید.**
- **سبک زندگی قابل تقلید نیست. از سبک زندگی دیگران درس بگیرید ولی تقلید نکنید.**
- هَشِیم الْمُحْتَظِرِ **: نوش دارو بعد از مرگ در همین معناست. چیزی که بدرد نمی خورد و معنویتی که کارساز نیست. هر چیزی باید به وقتش رعایت شود. دزدی نکردن برای یک دزد پیر، هنر نیست، زیرا او توانایی اش را ندارد. قسمت اصلی او این بود که در دوران جوانی دزدی نکند.**

۸- شِرْب مُحْتَضَرٌ **هر انسانی منحصر به فرد است و قسمت هر کسی به جوری است که اگر به وقتش از آن استفاده نکنید و سعی کنید به سایر محدوده ها بروید، گیر** هَشِیم الْمُحْتَظِرِ **خواهید افتاد. افراد زیادی بوده**

اند که در قصر زندگی کرده اند و اما به علت زندگی ناسالم خود، بعدا مجبور شدند در آرزوی سوراخ موش باشند.

۹- طغیان نفس فقط بوسیله اجرای معنویتی کنترل خواهد شد که مربوط به زمان حال شماست، که اگر اینکار را نکنید به گیاه پلاسیده زرد خشکیده خواهید رسید. کسانی بوده اند که با هم سطح خود ازدواج نکرده اند و با یکی بالاتر ازدواج کرده اند. آنها تا آخر عمرشان بخاطر این طغیان زجر می کشند و در آرزوی گیاه زرد پلاسیده هستند.

۱۰- تا وقتی که در کنار دریا بودی، قدرش را ندانستی، چو خشک شد، در لب جوی حسرت می خوری. هر کسی معنویت مربوط به خودش را باید اجرا کند. معنویتی که در حال حاضر و مکان حاضر با آن رو در رو است.

۱۱- کودکی که والدین در دوران کودکی، از سرِ مثلا دلسوزی! معنویت واقعی به او یاد نمی دهند و او را پرخور، رفاه طلب و تنبل بار می آورند، زمانی خواهد رسید که والدین آرزوی فرزندی میکنند که یک ذره کوچک معنویت و فهم داشته باشد.

۱۲- بعضی ها مخفی کاری میکنند و بعضی اطلاعات را به عنوان اسم اعظم پیش خود نگه می دارند که همین مخفی کاری باعث زنگ زدن وجودشان خواهد شد. زیرا معنویت باید چرخش داشته باشد و به

دیگران منتقل شود و فقط در این حالت پاک کننده و تزکیه کننده است. اسم اعظم ساخته پرداخته شیطان است و به یک معنویت شیطانی مخفی اشاره دارد. چرخش معنویت و انتقال آن به دیگران، باعث پاکی و تزکیه خواهد شد. مومنان از خدا میخواهند که اطلاعات و معنویتهای موفق آنان را به دیگران و نسلهای دیگر منتقل کند (وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِين إِمَامَاً = و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار بده) **و این نوعی تزکیه و تطهیر است.**

وَالَّذِين يَقُولُون رَبَّنَا هَب لَنَا مِن أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّاتِنَا قُرَّة أَعْيُن وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِين إِمَامَاً (فرقان: ٧٤)

و کسانی که می‌گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!

۱۳- اجرای کارها به موقع و در زمان خود و مربوط به مکان خود، باعث جاری بودن است. جاری بودن از خصوصیات بهشت است که همین جاری بودن باعث سلامتی است.

۱٤- آن چیزی که پیامبر صالح آورده بود، معنویت زمان حال و مکان حال بود. اما یوگای فعلی برعکس این را می گوید. یوگا شما را به یک

معنویت مرده راهنمایی میکند که انسان را جادو میکند. معنویت مرده هم یک نوع جادوست.

یکی از دلایل اصلی نامگذاری مقالات جادوی شیاطین به این نام (جادوی شیاطین) همین است. در این مقالات میخواهیم که معنویتهای مرده را طبق قرآن معرفی کنیم. یوگا آن چیزی نیست که هندوها و بوداییها می گویند و بلکه دقیقا هم اکنون برعکس آن چیزی شده است که پیامبر صالح می گفت. مردم ماهیت معنویتها را عوض و برعکس کرده اند. مردم ذکر را به مانترا، نماز را به یوگا، عواقب ذَنب (گناههای دنباله دار) را به کارما و روزه را به ریاضتهای فرسوده و سخت تبدیل کرده اند. یک مرتاض با ریاضتهای سخت، با جسمش بازی می کند و او این بازی را با معنویت اشتباهی گرفته است. مردم فرق بین بازی با جسم و روان را با معنویت واقعی نمی دانند. فرق عمل صالح و عمل سراب در همین است. بکارگیری معنویت در زمان ومکان خودش صلح است، در غیر آنصورت سراب است و بی فایده و بی ثمر. کسب معنویت در دل و سبک زندگی است و نه در حرکات یوگا و مدیتیشن.

در قسمتهای بعدی ثابت میشود که یوگا در سانسکریت به معنای معنویت عصر و یا معنویت زمان حال است. یوگا همان معنویتی است

که در سوره العصر بیان شده است. اما یوگای فعلی یک معنویت مرده است که در حیطه جادوگری قرار می گیرد. نامگذاری مقالات جادوی شیاطین به این اسم، برای روشن شدن این موضوع بود.

۱۵- یکی از شاعران مشهور در زمان جوانی عاشق شد و او سالها به معشوق نرسید. زمانی از معشوق جوابی شنید که دیگر دیر شده بود. عشق یک مفهوم و معنویت مرده است که بدرد نخور است و مربوط به زمان حال و مکان حال نیست. بارها ثابت شد که عشق یک معنویت کهنه و قدیمی است و مربوط به زمان و مکان عاشق و معشوق نیست.

١٦- آدمیان در جهنم به بعضی چیزها میرسند ولی آن موقع بدردشان نمی خورد و بی ارزش است. به همین خاطر در جهنم به آنها میگویند که:

ذُق إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيم (دخان: ٤٩)

(به او گفته می‌شود:) بچش که (به پندار خود) بسیار عزیز و محترمی!

در جهنم افراد به یک سری آرزوها میرسند ولی آن موقع دیگر بی فایده است، زیرا معنویت صحیحی پشت آن نیست و لذتی ندارد. ممکن است که در جهنم به عزت و کرامت دست پیدا کنید ولی کسی حتی نگاه هم نمی کند و برایشان بی اهمیت است. ممکن است که در

همین دنیا هم به این حالت برسید. افراد به اجبار والدین سالها درس میخوانند و مدرکی پولساز می گیرند. اما از آنجا که این افراد به دلخواه خود انتخاب نکرده اند، دلشان را به کارشان نمی دهند و باعث جریان یافتن معنویت در حرفه خود نمی شوند و در نتیجه سودی معنوی به خود و جامعه خود نمی رسانند. جامعه مرده جامعه ای است که افرادش معنوی زندگی نمی کنند. جامعه مرده جامعه ای است که افرادش برای مدرک درس می خوانند.

۱۷- گاهی در همین دنیا هم بعضی چیزها را داری ولی نمی بینی والبته مثل این است که آن را نداشته باشی. این همان تکذیب خود و تکذیب موقعیت خود است.

انْظُرْ كَيْف كَذَبُوا عَلَي أَنْفُسِهِم وَ ضَل عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُون (انعام: ٢٤)

ببین چگونه به خودشان (نیز) دروغ می‌گویند، و آنچه را دروغ می‌پنداشتند، از دست می‌دهند!

۱۸- معنویت جاری بارور است. معنویت مرده بارور نیست و اگر مردمی دارای معنویت مرده شوند، نسل آنان به خطر می افتد. معنویتهای جاری زمان صالح باعث ایجاد محاسبات امروزی و پیشرفتهای مهم

شد. معنویتهای مرده ازدواج را به بن بست می کشاند. هر جا ازدواج کم شد، قطعا بدانید که یک معنویت مرده و عدم صلح آمیز بر آن جامعه حاکم است.

۱۹- آب جاری هم دمای محیط است، در غروب گرمتر و در طلوع سردتر است؛ از همین جا روشن می شود که خدای رحمان حتی دمای آبی که باید بخوریم را بسته به زمان و مکان در دماهای مختلف قرار داده است. جاری بودن آب باعث چنین خاصیتی می شود. آب داخل یخچال همیشه یک دمای ثابت دارد و این مخالف مفهوم جاری بودن است. اطلاعات درون انسانها هم باید جاری باشد تا تمیز و هم دمای محیط شود و بتواند در سلامتی روان و بدن ما مفید افتد. افکار مرده باعث عقب ماندگی می شود و بعد از مدتی آب و معنویت درون انسان می گندد، اما جاری بودن باعث پاکی و تمیزی و تزکیه بدن و روان خواهد شد.